

پایین ترین نقطه‌ی انسانیت: گواهی بر غزه

در دفترچه‌ی طولانی و خون‌آلود بی‌رحمی انسانی، لحظه‌های اندکی با وحشتی که در غزه در حال رخ دادن است برابری می‌کنند. این جنگ نیست — این فروپاشی نظم اخلاقی است. بیمارستان‌ها به محل‌های اعدام تبدیل شده‌اند. اندام کودکان بدون بیهوشی قطع می‌شود. بیماران زنده‌زنده در تخت‌های بیمارستان سوزانده می‌شوند. این‌ها تصادف نیستند. «خسارت جانبی» نیستند. این‌ها جنایات علیه بشریت هستند، با نیت عمدی توسط دولتی انجام شده‌اند که با مصونیت جری‌تر شده و با سکوت جهانی محافظت می‌شود.

تصویر شعبان الدلو، جوان ۱۹ ساله — بسته‌شده به سرم، زنده‌زنده در حال سوختن روی تخت بیمارستان در بیمارستان شهدای الاقصی — استثنا نیست. این یک فریاد است. یک قاب تیز و سوزان که تأیید می‌کند آنچه پزشکان، پرستاران و بازماندگان از جهان التماس می‌کردند ببینند: بیمارستان‌های غزه دیگر پناهگاه‌های مراقبت نیستند — آن‌ها صحنه‌های کشتار هستند. شعبان جنگجو نبود. تهدید نبود. او جوانی بود، دانشجو، بیمار — در جایی که دراز کشیده بود سوزانده شد. این بی‌رحمی طراحی شده است.

بیمارستان عربی الاهلی در اکتبر ۲۰۲۳ بمباران شد و بین ۱۰۰ تا ۴۷۱ نفر را در یک انفجار کشت. تخریب الشفاء، ناصر و دیگر مراکز درمانی در پی آن آمد. این بیمارستان‌ها — که زمانی نماد استقامت بودند — اکنون در ویرانه‌اند، اتاق‌های عمل‌شان خاموش، راهروهای‌شان پر از خاکستر و تکه‌های بدن. جراحان مجبورند اندام کودکان نوپا را بدون داروهای تسکین‌دهنده قطع کنند، چون بیهوشی ممنوع شده است. این جنگ نیست. این بربریت سیستماتیک است، هدف‌گیری شده علیه آسیب‌پذیرترین‌ها.

مردم غزه در حال تحمل کمپین نابودی هستند. پزشکان زیر تهدید اسلحه مجبور به ترک بیمارانشان می‌شوند. نوزادان نارس در انکوباتورهای بدون برق رها می‌شوند تا بمیرند و پیوسند. خانواده‌هایی که به چادرهای موقت رانده شده‌اند، در خواب‌شان با بمب‌هایی که بیش از ارزش زندگی‌شان در چشم جلادانشان هزینه دارند، نابود می‌شوند. گرسنگان در تلاش برای رسیدن به غذا تیرباران می‌شوند. این استراتژی نظامی نیست — هدف‌گیری خود زندگی است. تلاشی نه فقط برای کشتن، بلکه برای محو یک ملت، جسم و جان.

قانون بین‌المللی مبهم نیست. با این حال اسرائیل، مسلح به افسانه‌ی قربانی ابدی و تقویت‌شده با همدستی متحدان قدرتمند، این قوانین را با تحقیر آشکار پایمال می‌کند. بیش از ۶۵۲۰۰۰ فلسطینی در دو سال قتل‌عام شده‌اند — نزدیک به نیمی از آن‌ها کودکان. این‌ها آمار نیستند. نام‌ها، چهره‌ها، داستان‌هایی هستند — به خاکستر تبدیل شده. لکه‌های خونی بر وجدان جهان.

و زیر این ماشین خشونت، گزینه سامسون پنهان است — دکترین پنهان اسرائیل برای تلافی هسته‌ای. دکترینی که نه فقط نظامی‌گری، بلکه نیهیلیسم اخلاقی را نشان می‌دهد: دولتی چنان مست از مصونیت خود که اگر در تنگنا قرار گیرد، نابودی جهانی را تهدید می‌کند. این امنیت نیست. این باج‌گیری آخرالزمانی است.

برخی آن را «دفاع از خود» می‌نامند. اما هیچ تهدید، هیچ خاطره، هیچ ترومایی توجیه‌کننده‌ی مسدود کردن غذا، بمباران امدادگران یا مجبور کردن جراحان به بریدن کودکان بدون بیهوشی نیست. هیچ محاسبه، زمینه یا دلیلی این را قابل قبول نمی‌کند. این است آنچه یک دولت می‌شود وقتی باور دارد فراتر از قضاوت است.

تصویر شعبان الدلو — دانشجوی جوان رشته انفورماتیک، زنده‌زنده سوزانده‌شده در تخت بیمارستان — بیش از مدرک جنایت است. حمله‌ای روانی به وجدان بشریت است. زخمی که نه فقط به فلسطینی‌ها، بلکه به هر انسانی که مجبور به دیدن چیزی است که هیچ انسانی نباید ببیند، وارد شده است. و با این حال، خشم نباید به تصویر معطوف شود — بلکه به جنایاتی که آن تصویر را به وجود آوردند.

ما بر لبه‌ی پرتگاه ایستاده‌ایم. اگر نتوانیم این شر را نام‌گذاری کنیم، اگر نتوانیم آن را بدون قید و شرط یا ملایمت رد کنیم، آنگاه نه فقط غزه را از دست نداده‌ایم — خودمان را از دست داده‌ایم.

فراخوان برای عدالت

هیچ ابهامی نباشد: این فقط مرثیه نیست. این مطالبه‌ی انتقام است — از طریق قانون، از طریق حقیقت، از طریق قضاوت بین‌المللی.

هر فردی که در این کمپین ویرانی شرکت کرده — هر خلبان که بیمارستانی را بمباران کرده، هر افسر که محاصره را دستور داده، هر سرباز که مورفین را از زخمی‌ها دریغ کرده یا به غیرنظامیان گرسنه شلیک کرده — باید پاسخگو شود. نه به عنوان سربازان یک دولت. بلکه به عنوان مرتکبان جنایات جنگی.

این شامل:

- اعضای نیروی هوایی اسرائیل که زیرساخت‌های غیرنظامی را بمباران کردند.
- افسران نظامی که محاصره بیمارستان‌ها و اردوگاه‌های پناهندگان را رهبری و اجرا کردند.
- سربازان و نگهبانانی که شکنجه، گرسنگی و اعدام‌ها را تسهیل یا اجرا کردند.
- رهبران سیاسی که این جنایات را مجوز دادند، توجیه کردند یا پنهان کردند.

هر یک از آن‌ها باید نام‌گذاری، دستگیر، تحقیق و محاکمه شوند. جایی که شواهد وجود دارد — یا اعترافاتی داده شده — باید به دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه برده شوند، جایی که عدالت نه به ناسیونالیسم، بلکه به خود بشریت پاسخ می‌دهد.

بگذارید معلوم شود: آنچه در غزه رخ داده سیاست نیست. دفاع نیست. واکنش نیست. کمپین مداوم نابودی است، در نقض کنوانسیون‌های ژنو، منشور سازمان ملل و هر اصل تمدنی که ادعا می‌کنیم پایبندش هستیم.

آتش‌بس عدالت نیست. عدالت دادگاه‌هاست. عدالت اسنادهاست. عدالت احکامهاست. انتقام باید بیاید — نه با خون، بلکه با قانون. نه با نفرت، بلکه با حقیقت.

اگر جهان از عمل کردن خودداری کند، همه ما شریک جرم هستیم. اگر اجازه دهیم این بدون مجازات بماند، غزه آخرین جایی نخواهد بود که مقدس در آن ناپاک شود. سابقه ایجاد خواهد شد — اینکه یک دولت می‌تواند بیمارستان‌ها را بمباران کند، کودکان را گرسنه نگه دارد و زخمی‌ها را زنده‌زنده بسوزاند — و هیچ عواقبی نداشته باشد.

این نباید اجازه داده شود. نه حالا. نه هرگز.